



«دولت‌ساز» شعاری بی‌مسما
در تیم اشرف غنی



پایین بودن ظرفیت تیم اطلاع‌رسانی
وزارت‌خانه‌ها باعث عدم دسترسی
به اطلاعات شده است



آگاهان:

امریکا دولت افغانستان را دور زده است

محمد اشرف غنی در این بیانیه اظهار داشت که قربانی جنگ مردم افغانستان اند و باید ابتکار صلح نیز به دست دولت افغانستان باشد. رییس حکومت وحدت ملی گفت که تجربه حکومت داکتر نجیب‌الله را به یاد دارد و می‌داند که با او «فریب‌کاری» صورت گرفت. او اضافه کرد: «ملل متحد به او تضمین تأمین صلح داده بود، اما متأسفانه به فاجعه انجامید. من از نقش فعلی منطقه و جهان آگاهی دارم و این را نیز می‌دانم که خطرها و تهدیدات احتمالی بعد از موافقه صلح کدام‌ها اند.»

محمد اشرف غنی اظهار داشت که در روند صلح، مذاکره درباره وحدت ملی، حاکمیت ملی و حقوق شهروندان امکان‌پذیر نیست. رییس حکومت تأکید کرد که برای صلح، برنامه واضح دارد و تعهدش این است که صلح را تأمین کند و جلو هر نوع فاجعه احتمالی و ازهم‌پاشی را بگیرد...

صفحه ۶

تکمیل شده است. سخنگوی ارتش پاکستان گفت که هزینه انجام این طرح ۷۰ میلیارد روپیه است که شامل فراهم کردن تجهیزات جهت نظارت بر فعالیت‌های مشکوک در مرزها نیز می‌شود.

او گفته است که این طرح با هدف مدیریت بهتر مرزها و کنترل عبور و مرور تروریست‌ها صورت گرفته و با تکمیل این طرح در سال آینده وضعیت امنیتی مرزها بهبود خواهد یافت.

سخنگوی ارتش پاکستان پیش از این اعلام کرده بود که پروژه حصار کشی مرزهای مشترک با افغانستان تا پایان دسامبر ۲۰۱۹ میلادی، تکمیل خواهد شد.

این پروژه جزوای سال گذشته به دستور ژنرال قمر جاوید باجوہ فرمانده کل ارتش پاکستان، آغاز شد.

پاکستان ۹۰۰ کیلومتر از مرزهای مشترک با افغانستان را حصار کشی کرد



سخنگوی ارتش پاکستان اعلام کرد که کار حصار کشی ۹۰۰ کیلومتر از مرزهای مشترک این کشور با افغانستان تکمیل شده است.

ژنرال آصف غفور، سخنگوی ارتش پاکستان در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد که ارتش

امریکا به این روزنامه گفته است: ما پیش‌نویس چارچوبی را داریم که پیش از آنکه به توافق بدل شود، اطلاعاتی درباره آن ارائه می‌دهد. طالبان متعهد شده اند که برای رضایت ما آنچه را که لازم است انجام دهد تا افغانستان دیگر به جایگاهی برای گروه‌های بین‌المللی تروریستی یا تروریست‌ها بدل نشود. ما به قدر کفایت احساس اطمینان می‌کنیم که این پیش‌نویس را ارائه کردیم و بر روی جزئیات آن نیز باید کار شود.

یکی از مقام‌های امریکایی نیز به خبرگزاری رویترز گفته بود که واشنگتن متعهد شده تا نیروهای خارجی را از افغانستان پس از ۱۷ سال جنگ خارج کند.

مذاکرات بعدی دو طرف قرار است در قطر و به تاریخ ۲۵ فبروری سال جاری میلادی برگزار شود.

نیویورک تایمز: امریکا و طالبان چارچوب توافق صلح را پیش‌نویس کرده‌اند



روزنامه نیویورک تایمز دیروز گزارش داد که امریکا و طالبان پیش‌نویس توافقی را ارائه کرده‌اند که دو طرف را به سمت پایان دو دهه جنگ در افغانستان سوق می‌دهد. گزارش نویسنده این روزنامه نوشته است، این توافق شامل

امریکا و رساندن صلح به جای باریک

صفحه ۲

WESTERN UNION WU

عزیزی بانک
Azizi Bank

انتقال داخلی پول از طریق ویسٹرن یونین در سراسر کشور

مشتریان و شهروندان گرامی، حالا شما می‌توانید از طریق ویسٹرن یونین عزیزی بانک، به همه ولایت‌های کشور پول بفرستید و یا از تمامی ولایت‌ها پول دریافت کنید. برای اطلاعات بیشتر به نزدیک‌ترین نمایندگی عزیزی بانک مراجعه کنید یا به شماره ۱۵۱۵ تماس بگیرید.

امریکا و رساندن صلح به جای باریک

«کار به جای باریک رسیدن» کنایه از رسیدن کار به خطرناک‌ترین مرحله است. با این توضیح باید گفت که ایالات متحده داستان صلح افغانستان را - نظر به خبرهای انتشار یافته از دیدار نماینده‌گان امریکا و طالبان در قطر و واکنش‌های خزن‌آلود ارگ ریاست‌جمهوری نسبت به آن - به جای باریک رسانده است.

خبرهای رسمی و غیررسمی به گونه خلاصه حکایت از این دارند که به دلیل شتاب‌زده‌گی امریکا در روند صلح و اشتیاق مفرط به نهایی‌سازی آن، همه چیز در میز صلح قابل معامله شده و افغانستان قویاً در پرتگاه سقوط به گذشته قرار گرفته است؛ همان چیزی که مردم از آن می‌هراسند و در صورت وقوع، در برابر آن خواهند ایستاد. جای باریک صلح افغانستان، دقیقاً همان نقطه‌ی ست که طالبان در آن ماهی مُراد خویش را می‌خواهند صید کنند و پاکستان به خواب‌هایش برای آینده افغانستان متکی بر ایده عمق استراتژیک می‌خواهد جامعه عمل ببوشاند. این احتمال ناگوار را اگرچه در طول روزها و هفته‌هایی که در تب صلح خواهی امریکا و حکومت افغانستان با طالبان گذشت، رسانه‌ها و تحلیل‌گران هشدار دادند، اما هر بار پیام‌های اطمینان‌بخشی از آدرس دولت امریکا و حکومت افغانستان منتشر می‌شد که نخواهند گذاشت افغانستان به گذشته باز گردد.

آقای خلیل‌زاد گفت‌وگوهای قطر را با پیشرفت بسیار ارزیابی کرده اما تذکر داده که توافق صلح نهایی نشده است. اما روند مذاکرات و واکنش آقای غنی به آن، این خطر را برجسته می‌سازد که نهایی شدن توافق صلح نیز در غیاب مردم و دولت افغانستان رقم خواهد خورد. حکومت افغانستان و به‌ویژه آقای غنی همواره تأکید و آرزویش در برنامه صلح بر این بوده که طالبان با هیأت صلح حکومت گفت‌وگوی مستقیم داشته باشند تا هم مالکیت افغان‌ها بر صلح تمثیل گردد و هم نتیجه صلح مخالف برنامه‌های کلان آقای غنی برای کشور نباشد. اما از یک‌طرف طالبان ثابت کردند که برای حکومت افغانستان ارزش گفت‌وگو قایل نیستند و هم از سوی دیگر امریکایی‌ها نشان دادند در صورتی که طالبان با آن‌ها کنار بیایند، صلح را با همه شکست‌ورخت‌ها نهایی می‌سازند و به دولت و مردم افغانستان محلی از اعراب قایل نمی‌شوند.

ایجاد حکومت موقت و تغییر در ارزش‌های دموکراتیک دولت‌داری افغانستان، درحالی از داستان صلح امریکا و طالبان به گوش می‌رسد که هم‌اکنون نزدیک به بیست تیم انتخاباتی برای رقابت در کارزارهای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرده‌اند و تمام جامعه به‌نحوی در فضای انتخاباتی و امید به اصلاحات و تغییر در چتر دموکراسی قرار گرفته‌اند. اما ایالات متحده خلاف همه اطمینان‌بخشی‌های گذشته و شعارهایی که در قبال دموکراسی افغانستان سر داده، مهیا شده که در صورت تأمین منافع خود توسط طالبان و کشورهای حامی آن، قید انتخابات، دموکراسی، تأمین حقوق بشر و زنان در افغانستان را بزنند.

امریکا به دلایل گوناگون برای صلح با طالبان در سایه تأمین امنیت ملی خود عجله دارد و صلح با این گروه را صرفاً در گرو رفع دغدغه‌های امنیتی شهروندانش از ناحیه افغانستان قرار داده است. این‌که با ادغام طالبان در نظام سیاسی و یا تشکیل حکومت موقت با حضور طالبان ممکن است چه حوادثی برای افغانستان و مردمش بیفتد و پای چه دولت‌های حریصی در افغانستان باز شود، برای آن مهم نیست. این کشور فقط از طالبان و کشورهای حامی آن، تضمین محکمی مبنی بر مصونیت منافع ملی خود می‌خواهد.

این‌ها خلاصه گپ پیرامون روحیه فعلی امریکا در قبال صلح افغانستان در سایه زعامت آقای ترامپ است. اما مسلماً متغیرهای دیگری در درون امریکا از جمله کانگرس این کشور (شامل نماینده‌گان مخالف رویه ترامپ در افغانستان از دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه) و متغیرهای مهمی در بیرون از امریکا از جمله متحدان اروپایی این کشور وجود دارند که سیاست‌های ترامپ را نادرست می‌دانند و خروج نامسئولانه از افغانستان را مایه بدنامی غرب و ناکامی دموکراسی می‌خوانند. از همه مهم‌تر، مردم افغانستان نیز به صلح ناقص و تحمیلی از جانب بیگانه‌گان تن نداده و در برابر آن خواهند ایستاد.

به نظر می‌رسد که انسجام این متغیرها می‌تواند خطر بزرگی که زیر نام صلح در کمین افغانستان نشسته است را از میان بردارد.

گفت‌وگوهای صلح و سرنوشت نامعلوم افغانستان

احمد عمران

وقتی طالبان می‌گویند که فعلاً باید بر سر خروج نیروهای خارجی بحث کرد و مسأله دولت افغانستان موضوع داخلی آن‌هاست، این نگرانی تداعی می‌شود که این گروه می‌خواهد از راه جنگ مشکل داخلی را به نتیجه برساند. همان تکرار تاریخ که در دهه هفتاد خورشیدی با خروج نیروهای شوروی سابق اتفاق افتاد. اما به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها متوجه این مسأله بوده‌اند که طالبان با حکومت افغانستان وارد مذاکره نمی‌شوند و می‌خواهند حکومت را از راه فشار نظامی مجبور به سقوط سازند، پس به همین دلیل طرح حکومت موقت را مطرح کرده‌اند تا برنامه «فتح کابل» را خنثا سازند



باقی نیست که به هر توافقی که امریکایی‌ها با طالبان دست یابند، مقداری ضرر برای مردم افغانستان می‌تواند وجود داشته باشد.

اگر پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، امریکا و طالبان به توافق برسند و دولت افغانستان را هم مجبور کنند که آن توافق را بپذیرند، آن وقت معلوم نیست که سرنوشت انتخابات چه خواهد شد. همین حالا گزارش‌هایی وجود دارد که هیچ یک از کشورها و نهادهای بین‌المللی در مورد پرداخت هزینه انتخابات سال آینده ابراز آمادگی نکرده‌اند. شاید آن‌ها نیز اوضاع را رصد می‌کنند تا ببینند که چه پیش می‌آید. در همین حال، این گزینه نیز منتفی به نظر نمی‌رسد که امریکایی‌ها با طالبان روی یک حکومت موقت به توافق برسند؛ چون در حال حاضر هیچ خوش‌بینی مبنی بر این‌که طالبان با حکومت افغانستان وارد مذاکره شوند، وجود ندارد.

وقتی طالبان می‌گویند که فعلاً باید بر سر خروج نیروهای خارجی بحث کرد و مسأله دولت افغانستان موضوع داخلی آن‌هاست، این نگرانی تداعی می‌شود که این گروه می‌خواهد از راه جنگ مشکل داخلی را به نتیجه برساند. همان تکرار تاریخ که در دهه هفتاد خورشیدی با خروج نیروهای شوروی سابق اتفاق افتاد. اما به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها متوجه این مسأله بوده‌اند که طالبان با حکومت افغانستان وارد مذاکره نمی‌شوند و می‌خواهند حکومت را از راه فشار نظامی مجبور به سقوط سازند، پس به همین دلیل طرح حکومت موقت را خنثا سازند.

هرکدام از این گزینه‌ها اگر اتفاق بیفتد، بدون شک مردم افغانستان در آن ضرر خواهند دید؛ چون در صورت آغاز جنگ‌های داخلی اکثر مقام‌های فعلی دولت دوباره به کشورهای اصلی‌شان برمی‌گردند تا پول‌هایی را که طی این سال‌ها در حساب‌های‌شان جمع کرده‌اند، در آرامش کامل مصرف کنند. ولی اگر این‌طور

خود جنگید، سرانجام از درون دستخوش فروپاشی شد و جنگ‌های مدهش داخلی در کشور آغاز یافت.

هرچند بسیاری از اندیشمندان علم تاریخ باور دارند که تاریخ تکرار نمی‌شود، ولی به نظر می‌رسد گاهی فرصت‌هایی پیش می‌آید که تاریخ را تکرار می‌کند. بعضی‌ها هم می‌گویند که تاریخ به دو صورت تکرار می‌شود: بار اول به گونه تراژیک و بار دوم به گونه کمدی یا مضحک. اما تکرار تاریخ در افغانستان همواره تراژیک بوده است. تأکید و شتاب‌زده‌گی امریکایی‌ها در پیشبرد گفت‌وگوهای صلح با طالبان نشان می‌دهد که این کشور هرچه زودتر می‌خواهد با این گروه به توافق برسد و نیروهای خود را از افغانستان بیرون کند. این‌که چه مسایلی سبب شده که ناگهان امریکا به فکر خروج از افغانستان بیفتد، هنوز کاملاً مشخص نیست ولی اگر به سخنان دونالد ترامپ و مواضع او اکتفا کنیم، امریکا دیگر نمی‌خواهد با استراتژی جنگ پیش‌گیرانه و یا صدور دموکراسی به کشورهای فقیر، پول‌های خود را هزینه کند.

شاید حالا پس از هجده سال، امریکایی‌ها متوجه شده باشند که دموکراسی را نمی‌شود به عنوان کالا به کشورهای دیگر صادر کرد. دموکراسی زمانی ارزش دارد که در درون جامعه نفع گرفته باشد. به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها از شرایط افغانستان راضی نیستند و می‌خواهند قبل از آن‌که کاملاً در وضعیت این کشور غرق شوند و راه بیرون‌رفت برای‌شان ناممکن گردد، با استفاده از فرصت و تشویق کشورهای حامی طالبان به صلح، خود را از مخمصه جنگ هجده‌ساله افغانستان بیرون کنند. این چیزی است که می‌توان بر اساس شواهد و سخنانی که از زبان دیپلمات‌ها و مقام‌های امریکایی شنیده می‌شود حدس زد، ولی این‌که واقعاً پشت پرده چه مسایلی وجود دارد و واقعاً امریکایی‌ها خود را بازنده جنگ افغانستان تصور می‌کنند، هنوز نمی‌توان با قاطعیت چیزی گفت. ولی در این جای شک

زلمی خلیل‌زاد در رأس یک هیأت امریکایی، طی شش‌روز طولانی‌ترین گفت‌وگوهای خود را در شهر دوحه قطر با نماینده‌گان گروه طالبان گفت‌وگوها را سازنده خوانده‌اند ولی تأکید کرده‌اند که هیچ توافق نهایی در این گفت‌وگوها به دست نیامده است. آقای خلیل‌زاد گفته، توافق نهایی زمانی حاصل می‌شود که طالبان آتش‌بس را بپذیرند و با دولت افغانستان وارد مذاکره شوند. طالبان اما گفته‌اند که بحث اصلی بر سر خروج نیروهای خارجی از افغانستان است و این گروه بحث دولت افغانستان را به بعد از خروج نیروهای خارجی موکول می‌کند.

این دو موضع‌گیری هیچ نشانه‌ی از نزدیکی در گفت‌وگوهای صلح را نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که طالبان همان خواست‌های گذشته خود را در قالب ادبیاتی تازه بیان کرده‌اند. این گروه می‌گوید که مشکل فعلی افغانستان، حضور نیروهای خارجی است و وقتی نیروهای خارجی از این کشور بیرون شوند، مسایل داخلی که ممکن است شامل گفت‌وگوهای صلح با دولت افغانستان هم باشد، آن وقت قابل بحث و تصمیم است. یعنی گروه طالبان هیچ محلی از اعراب برای دولت افغانستان در گفت‌وگوهای صلح قایل نیست و در آینده نیز وقتی نیروهای خارجی این کشور را ترک کنند هم معلوم نیست که این گروه برای حل معضل جنگ با دولت افغانستان وارد مذاکره شود.

دیده می‌شود که طالبان حربه خطرناکی را در اختیار گرفته‌اند که می‌تواند در گفت‌وگوهای صلح به نفع این گروه تمام شود. زیرا در خروج نیروهای خارجی به گونه یک‌طرفه، همان بلایی متصور است که بر سر رژیم دکتر نجیب‌الله در دهه هفتاد نازل شد. یعنی نیروهای خارجی کشور را ترک کردند، درحالی که هیچ ضمانتی برای آغاز گفت‌وگوها با دولت کابل به وجود نیامده بود. دولت کابل نیز پس از مدتی که در سخت‌ترین شرایط با مخالفان

وزارت اطلاعات و فرهنگ:

پایین بودن ظرفیت تیم اطلاع رسانی وزارت خانه‌ها باعث عدم دسترسی به اطلاعات شده است



نایج نوری

دلیل عدم همکاری نهادهای دولتی با خبرنگاران، پایین بودن ظرفیت در تیم اطلاع رسانی نهادهای دولتی است. سید آقا فاضل سانچارکی، معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید که پایین بودن ظرفیت تیم اطلاع رسانی در نهادهای ادارات و وزارتخانه‌ها یکی از دلایل ندادن معلومات به خبرنگاران است.

آقای سانچارکی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار گفت: «وزارت اطلاعات و فرهنگ بیش از ۶۰ دفتر اطلاع رسانی وزارتخانه‌های دولتی را مورد ارزیابی قرار داد که متأسفانه به جز سه یا چهار وزارت، اکثریت نهادهای اطلاع رسانی وزارتخانه‌ها تیم اطلاع رسانی بسیار ضعیف داشتند».

آقای سانچارکی در ادامه این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «وزارت اطلاعات و فرهنگ برای بلند بردن ظرفیت در این بخش یک بسته آموزشی را آماده کرده است تا کارمندان بخش اطلاع رسانی این نهادها را آموزش دهد».

او می‌گوید: برای بهتر شدن زمینه اطلاع رسانی، وزارت اطلاعات فرهنگ همچنان کمیسیون حق دسترسی به اطلاعات را ایجاد کرد و در این کمیسیون از طرف رییس حکومت پنج عضو معرفی شد و اکنون این کمیسیون در حال تنظیم کردن تشکیلات و دفتر است. امیدوار هستیم این کمیسیون بتواند در بخش اطلاع رسانی به خبرنگاران کار مفیدی انجام دهد.

آقای سانچارکی همچنان گفت: برای بهتر شدن اطلاع رسانی قانون حق دسترسی به اطلاعات توشیح شد که این قانون به عنوان بهترین قانون در دنیا شناخته شده است.

این در حالی است که چند پیش آقای غنی در برنامه گشایش صندوق پشتیبانی از خبرنگاران گفت که همه اداره‌ها ملزم به رعایت قانون حق دسترسی به اطلاعات هستند و سرکشی از این قانون جرم پنداشته می‌شود.

قانون حق دسترسی به اطلاعات، پس از چند ماه تصویب توسط مجلس نماینده‌گان در نهم قوس سال ۱۳۹۳، توسط محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی توشیح شد. این قانون شش فصل و سی و دو ماده دارد.

خشونت عمومی باعث خشونت در برابر خبرنگاران شده است

نهادهای مدافع حقوق خبرنگاران در ماه‌های پسین با نشر گزارش‌هایی از افزایش خشونت در برابر خبرنگاران خبر و هشدار دادند.

وزارت اطلاعات و فرهنگ، افزایش خشونت در برابر خبرنگاران را ناشی از خشونت عمومی در کشور می‌داند.

معین نشراتی این وزارت به روزنامه ماندگار می‌گوید: در دو سه سال اخیر به پیمان بسیار گسترده حملات گروه‌های تروریستی در برابر افراد ملکی، نیروهای امنیتی، مراکز و اماکن عمومی افزایش یافت و چون خبرنگاران جدایی از مردم افغانستان نیستند، از این حملات در امان نبودند.

نی:

در گفت‌وگوهای صلح آزادی بیان و ارزش‌های حقوقی بشری فراموش شده اند

ابوبکر صدیق

مسئولان در نهاد حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان (نی)، می‌گویند که در گفت‌وگوهای صلح امریکا و طالبان، آزادی بیان و ارزش‌های حقوق بشری به فراموشی سپرده شده است.

عبدالمجیب خلوتگر، رییس اجرایی این نهاد، دیروز در یک نشست خبری بیان این نگرانی گفت: صلح یک نیاز جدی و ضروری برای مردم افغانستان است، اما بهای آن نباید منجر به قربانی شدن ارزش‌های آزادی بیان، حقوق بشر و جلوگیری از رشد رسانه‌های آزاد در افغانستان باشد.

آقای خلوتگر گفت: «در صحبت‌های طالبان و امریکا، ارزش‌های حقوق بشری و آزادی بیان که در ۱۷ سال گذشته صدها تن به ویژه جامعه رسانه‌یی برای آن قربانی داده‌اند نه تنها که به حاشیه رانده شده؛ حتی در برخی موارد به فراموشی سپرده شده است».

او گفت که در هر تفاهم‌نامه‌یی که منجر برقراری صلح در افغانستان شود، نباید ارزش‌های آزادی بیان به حاشیه رانده شوند، شهروندان به صلح نیاز دارند، اما صلحی که در آن حرمت به ارزش‌های حقوق بشری و آزادی بیان وجود نداشته باشد، زنده‌گی زیر چنین چتری بی‌ارزش است.

آقای خلوتگر می‌افزاید: مردم افغانستان بیش از چهار دهه می‌شود که در درگیری و خشونت به سر می‌برند و بیش از ۷۰ درصد شهروندان صلح را به یاد ندارند و حتی تلاش‌های ۱۷ سال اخیر برای صلح نیز نتیجه‌یی در پی نداشته است.

رییس اجرایی نهاد نی گفت: در دیدارهای متعددی که زلمی خلیل‌زاد فرستاده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور صلح افغانستان با طالبان داشته است در رابطه به آتش‌بس، مذاکرات «بین‌الافغانی» خروج نیروهای بین‌المللی و ... بحث صورت گرفته است، اما از ارزش‌های آزادی بیان و حقوق بشری یادآوری نگریده است.

او گفت که اطلاعات بیرون داده شده از این نشست‌ها نشان می‌دهد که هر دو طرف روی خامه یک تفاهم‌نامه به توافق نزدیک شده‌اند، نهاد نی به عنوان یک نهاد حمایت‌کننده آزادی بیان و رسانه‌های آزاد در کشور، از هر دو طرف می‌خواهد که ارزش‌های آزادی بیان و حقوق بشری را مد نظر داشته باشند.

مسئولان نهاد نی در اخیر این نشست با نشر اعلامیه‌یی همچنان گفتند، آزادی بیان به عنوان یک ارزش قابل حراست در هر سندی که به عنوان نتیجه صلح پنداشته می‌شود باید گنجانیده شود. اگر این گفت‌وگوها منجر به صلح شد، تضمینی برای آزادی بیان و رسانه‌های آزاد افغانستان ارایه گردد.

در بخشی دیگری از این اعلامیه آمده است: رسانه‌ها باید از جزییات روند گفت‌وگوهای صلح که سبب خدشه‌دار شدن آن نمی‌گردد، در جریان گذاشته شوند و قاتلان روزنامه‌نگاران و عاملان خشونت در برابر خبرنگاران و آزادی بیان، تحت هیچ موافقت‌نامه‌یی نباید مورد عفو قرار گیرند و حکومت افغانستان و طرف‌های درگیر باید این مورد در نظر داشته باشند.

مسئولان این نهاد حامی خبرنگاران می‌گویند که در صورتی که آزادی بیان و ارزش‌های حقوق بشری در فرایند صلح در نظر گرفته نشود، به عنوان حمایت‌کننده آزادی بیان و رسانه‌های آزاد افغانستان، خاموش نخواهند نشست. این در حالی است که زلمی خلیل‌زاد در فرجامین دیدارش با گرو طالبان در دوحه مرکز قطر روی خامه یک تفاهم‌نامه هجده ماده‌یی به توافق نزدیک شده‌اند.



به باور او، مالکان رسانه‌ها بدون اینکه به مسایل امنیتی خبرنگاران توجه کنند، بدون ایمن ساختن خبرنگاران آنان را در میدان‌های نبرد برای پوشش خبری فرستادند که سبب کشته شدن شماری از خبرنگاران شد.

آقای سانچارکی می‌افزاید: وزارت اطلاعات و فرهنگ با همکاری نهادهای حمایت از خبرنگاران در خصوص پوشش خبری از حوادث و حملات انتحاری، یک رهنمودی را آماده کرده که این رهنمود نهایی شد و در کمیته مشترک به تصویب رسیده است.

او تأکید کرد: هم نیروهای امنیتی وظیفه گرفته‌اند که این رهنمود را به نیروهای خود تشریح و توزیع کنند و هم وزارت اطلاعات و فرهنگ مسوولیت گرفته تا آن را به خبرنگاران تشریح و توزیع کند.

این گفته‌ها در حالی ابزار می‌شود که براساس آمار در سال‌های حکومت وحدت ملی، شمار جان باختگان خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها در افغانستان به بیشتر از چهار برابر، افزایش یافته و ۵۳ خبرنگار جان باخته‌اند در حالی که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، ۴۲ خبرنگار جان باخته‌اند.

آمار نشر شده از سوی نهاد حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان یا «نی» در پایان سال ۲۰۱۸ نشان داد که به گونه میان‌گین در زمان حکومت وحدت ملی هر سال ۱۳ خبرنگار جان باخته‌اند. در حالی که به گفته نی، در ۱۴ سال پیش از حکومت وحدت ملی به گونه میان‌گین هر سال ۳ خبرنگار جان باخته‌اند.

این نهاد تنها در دو سال پسین، به طور مجموعی نزدیک به ۲۵۰ مورد خشونت با خبرنگاران را ثبت کرده است. در این میان، ۳۵ مورد قتل، ۵۵ مورد زخمی، ۱۶ مورد بازداشت و نزدیک به ۵۰ مورد لست و کوب ثبت شده است.

همچنان کمیته حفاظت از خبرنگاران نیز در تازه‌ترین گزارش در ۱۰ جنوری سال ۲۰۱۹ گفته است که افغانستان در میان چهارده کشوری که در دادگاهی کردن عاملان قتل خبرنگاران عمل کرد ضعیف دارند و در این کشورها معافیت از مجازات وجود دارد، جایگاه ششم را کسب کرده است.

به تازه‌گی کمیته حفاظت از خبرنگاران که مقررش در شهر نیویارک امریکا است در گزارشی با عنوان شاخص جهانی معافیت در سال ۲۰۱۸ می‌گوید: در چهارده کشور معافیت از مجازات برای قاتل‌های خبرنگاران وجود دارد و افغانستان در این فهرست جایگاه ششم را کسب کرده است.

گفتنی است که در آستانه سال جدید میلادی جاوید نوری مجری رادیو نشاط در فراه از سوی گروه طالبان تیرباران شد. باید گفت که افغانستان از خطرناک‌ترین کشورها برای خبرنگاران شناخته می‌شود، کشوری که در چند سال پسین همزمان با رشد رسانه‌ها، آمار قربانی شدن خبرنگاران نیز افزایش داشته است.

نقش

نهادهای دینی
در فرایند توسعه سیاسی
افغانستان

عبدالهدی اشرفی خراسانی

بخش سیزدهم

کشور می‌باشد.

طوری که مرتضی مطهری از این موضوع یادآور می‌شود که روحانیت عوام‌زده مساجد و چهاربسی ندارد از این که همواره سکوت را بر منطق و سکون را بر تحرک و نفسی را بر اثبات ترجیح دهد؛ زیرا موافق طبیعت عوام است (مطهری، ۱۸۵). و طبق برداشت و تفکیک استاد مطهری از نفس نهاد روحانیت در اسلام، نوع روحانیت متکی بر دولت‌ها در نبرد با عادات و افکار جاهلانه نیرومند است و در نبرد با تجاوزات و مظالم دولت‌ها ضعیف است. (مطهری، ۱۸۴)

با توجه به تمامی این مسایل واضح می‌شود که رابطه میان توسعه سیاسی و دین‌داری مردم سازنده و مفید نبوده و هرازگاهی کاربردهای متضاد و متقابل هم را به نمایش می‌گذارند. فقدان همگرایی لازم و مفید میان نهادهای دینی حاکم در جامعه افغانستان و الزامات نوگرایی و توسعه سیاسی با در نظر داشت شاخصه‌های مکاتب فکری - فرهنگی و روان‌شناختی توسعه ریشه در نوع دین‌داری حاکم در جامعه داشته و تا ریشه‌های این تقابل و تضاد حل و رفع نگردد، هرگز وفاق سازنده و حمایت‌گرایانه بین این دین و توسعه سیاسی شکل نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به این مهم پرداخته شد که نهادهای دینی چه نقشی در فرایند توسعه سیاسی افغانستان با تأکید بر دیدگاه ماکس وبر داشته؛ یعنی چه نقشی می‌توانست در فرایند توسعه داشته باشد که نداشته است. فرضیه صاحب این سطور این است که نوع دین‌داری حاکم در جامعه و اثرگذاری روان‌شناختی مجموعه واژه‌گان انگیزشی دین در زنده‌گانی مردم افغانستان، مساعد برای رشد توسعه سیاسی نبوده است. نهادهای دینی نهادی نوعی واژه‌گان انگیزشی در حیات فردی و جمعی شدند که بر حفظ وضع موجود تلاش کرده و از هر نوع نیروهای هوشیار و متحول‌کننده در زنده‌گی جلوگیری کند. از چارچوب مدل وبری توسعه، به بررسی نقش عاملیت دین و نقش نظریه‌ها و عوامل فرهنگی - ذهنی -

شاید مهم‌ترین پرسش در باب نهاد روحانیت حاکم در افغانستان، عدم موفقیت این گروه در ایجاد یک نهضت سیاسی مفید و توسعه‌گرا باشد که بازگشایی نقش عملی دین‌داری حاکم و لایه‌های فکر سیاسی این جامعه، عملاً نبود چنین گفتمان مرتبط به سیاست و اجتماع را نشان می‌دهد. قوی‌ترین آفات این راه؛ نبود یک دیدگاه سازنده و پیشرو در باب سیاست و حاکمیت، گذشته‌گرایی، آرمان‌باوری، ضوابط فقهی خشک مکاتب دیوبندی و اهل حدیث و تاجرگرایی حاکم در جریان دین‌داری، توانایی این نظام معنایی را از آرایه یک بدیل به‌روز مطابق نیازمندی‌های کنونی جامعه باز داشته است. زیرا عمده تلاش‌های نهادهای دینی در راستای تعمق در ظهور گذشته‌آرمانی است. قدرت سیاسی عمدتاً توسط دیگر گروه‌های اجتماعی قبضه شده و حتی اگر سلطان با زور و غلبه قدرت سیاسی را تصاحب کند، مردم مکلف به سرسپردگی بوده و حق سرکنشی را ندارند و این بزرگترین اثرگذاری روان‌شناختی نهادهای دینی بر اذهان همه‌گانی مسلمانان در طول سالیان متمادی بوده و حفظ ظاهر اسلام و رعایت شریعت اسلام، یگانه شرط برای زمام‌داران تلقی شده و زمام‌داران هم با اعطای امتیازات به طبقه روحانیون دینی، عملاً مشروعیت نظام سیاسی را ضمانت می‌کردند. از آنجایی که نهادهای دینی هیچ نوع نقش مثبت در اجرای سیاست‌های عملی ندارند، از تطبیق شریعت اسلام در تمام حوزه‌های زنده‌گانی مردم بی‌خبر مانده و جز اجرای یک نقش نمادین، عملاً فاقد نقش سازنده بوده‌اند. در دوران اسلام، مذهب شیعه بر شکل‌گیری یک نظام سیاسی روحانیت‌سالار تأکید دارد، در حالی که در نهادهای دینی اهل تسنن مهم نیست که کی زمام‌دار باشد، بلکه نقش ثانوی و مشروع‌بخش و اصلاح نظام سیاسی را کافی می‌دانند. همین‌طور در این کشور طوری که اولیوروا نقل کرده، علما هیچ نوعی اعتراضی علیه امیر نکرده‌اند. (روا، ۱۳۶۹: ۸۱)

نقش عوام‌زده‌گی حاکم در نظام سیاسی از عوامل اصلی عدم شکل‌گیری یک فرایند تغییر و تحول مثبت در قالب اندیشه دینی در این

روان‌شناختی در فرایند توسعه افغانستان با تکیه بر نظریه‌های فرهنگی - روان‌شناختی پرداختیم. توسعه و تغییرات اجتماعی بدون پشتیبانی محکم از عوامل ذهنی - فرهنگی و عقلائی که ریشه در ذهن و منافع و روان‌شناختی افراد دارد، متحقق نمی‌شود. از آنجایی که خصوصیات فرهنگی مناسب برای تغییر و تحول و توسعه در بطن ارزش‌ها و مجموعه واژه‌گان انگیزشی حاکم و برآمده از دل آموزه‌های دین‌داری وجود نداشت، راه توسعه برای افغانستان مسدود شده است. در تاریخ سیاسی افغانستان جریان‌های مذهبی - فکری و سیاسی نقش قوی روان‌شناختی داشته که در این میان جنبش‌های تصوفی و علما به عنوان جریان‌های فکری - مذهبی جزو قوی‌ترین نیروهای اثرگذار بر روان‌شناختی و تعیین ارزش‌های زنده‌گانی و شیوه زیست مردم شناسایی گردید. با بررسی آموزه‌ها و نوع قرائت این جریان‌ها از انسان و خداوند و نیروهای عقلائی و فکری بشر و نحوه زیست آن‌ها به این نتیجه رسیدیم که مخرب‌ترین اثر را در فرایند عقب‌مانده‌گی سیاسی و اجتماعی افغانستان این جریان‌ها داشته؛ زیرا نوعی روحیه دنیاگریزانه، فرار از مسوولیت، ترس و بی‌اراده‌گی، محافظه‌کاری، ضدیت با عقل و عقل‌گرایی را در زنده‌گانی مردم تحکیم کرده و با قطع علایق معنادار فرد با جهان و نفس کنش عقلائی - ابزاری، عملاً افراد را به فرار از جهان و تنبلی عارفانه سوق داده و باعث خلق گرایش‌های ضد توسعه گردیده است. تمامی این روحیه‌ها و مفاهیم انگیزشی برآمده از دل ارزش‌ها و آموزه‌های جریان تصوفی در تقابل با روحیه تحول و تغییرپذیری و به عبارت دقیق، در تقابل با نوسازی فردی قرار دارد. زمانی که بساط عقل‌گرایی، اراده‌گرایی، تلاش و کار، خطرپذیری، خلاقیت و نوآوری قبض گردد و این مفاهیم در میان نظام واژه‌گان انگیزشی مردم فاقد نقش و اثرگذاری مثبت باشد، دیگر راهی برای توسعه باقی نمی‌ماند. علمای دینی عملاً فاقد توانایی‌های لازم برای وفق خود با نیازهای زنده‌گی مدرن بوده و هر امر نو را بدعت و در خلاف با نوع قداست اعتقادی خود و پیروان خود می‌دانند. با داشتن نوع نگاه انحصارگرایانه بر زنده‌گی، راه ورود هر نوع نیروی جدید را با حربه شریعت بسته‌اند. اختصاص و انحصارگرایی در رابطه با دانش‌های جاری در جامعه و نهادهای فرهنگی - دینی و داشتن نوع نگاه منفی و ناسازش‌جویانه با دانش، علوم و دست‌آوردهای مدرن، این نیروها را به گروه محافظه‌کار و پیرو نظام‌های سیاسی محافظه‌کار و ضد توسعه نزدیک ساخته و نقش این نیروها را در بازسازی ذهنی و ترقی و متجددسازی افراد منفی ساخته است. با اثرگذاری بس بزرگی که این گروه در تأمین مشروعیت هر نوع ارزش، هنجار، فکر، سازمان و نهادی داشته، هر هنجار، ارزش و بساوری را با حربه مخالفت با شرع و بدعت از دایره زنده‌گانی مردم کشیده و باعث خلق روحیه بدبینی، انضباط‌ناپذیری، قانون‌گریزی و باعث علاقه به نوعی بی‌مسوولیتی در افراد گردیده و این شاخصه‌هایی که در زیر چتر نهاد روحانیت رشد و پرورش یافته، در تقابل با روحیه توسعه‌گرایی فردی و تجدد شخصی قرار دارد.

سخنرانی
فزویان

رسول خان امین / بخش سی‌وسوم

۱- نکه داشتن کاغذ A۵ به دیوار برای چند ثانیه با بازدم: یک کاغذ A۵ را با دست روی دیوار قرار داده و سپس دست‌مان را رها می‌کنیم و سعی می‌کنیم که با بازدم آن کاغذ را روی دیوار برای چند ثانیه نگه داریم. با تکرار این تمرین، زمان نگه‌داشتن کاغذ روی دیوار را افزایش می‌دهیم و بدین ترتیب حجم ریه ما افزایش می‌یابد.

۲- تمرین شمارش اعداد در بازدم حداقل تا عدد پنجاه: نفس را در سینه حبس می‌کنیم و در بازدم حداقل تا شماره ۵۰ به صورت عادی (نه الزاماً بلند) می‌شماریم و با تکرار و تمرین این عدد را افزایش می‌دهیم. هدف این تمرین افزایش حجم ریه است.

چهار تکنیک تقویت ماهیچه‌های لب و دهن

۱- تمرین خودکار: این یکی از زیباترین تمرینات صداسازی برای رفع تنبلی عضلات فک و دهن است که محمدپام بهرام‌پور در کتاب «جعبه ابزار سخنرانی» خود آورده است. برای انجام این تمرین، انتهای خودکار را بین دو دندان پیش روی خود قرار می‌دهیم و شروع به صحبت کردن می‌کنیم و روزانه این تمرین را در چند نوبت سه دقیقه‌ای انجام می‌دهیم. با این تمرین تا حد زیادی از سرعت کلمات ما کاسته می‌شود و بسیار شمرده‌تر صحبت می‌کنیم. با تمرین خودکار، شما در حقیقت به لب‌های خود این تمرین را می‌دهید که کمی آهسته‌تر و البته بیشتر باز و بسته شود و از همین طریق خیلی بهتر و واضح‌تر صحبت خواهید کرد.

۲- تمرین مشداد خوانی: در این تمرین کلمات را به شدت و قدرت می‌خوانیم. دهن تا حد اکثر ممکن باز می‌شود و به فک‌ها فشار زیادی وارد می‌گردد؛ به طوری که بعد از گفتن چند جمله فک شما را درد می‌گیرد. این تمرین برای تقویت ماهیچه‌های دهن و فک بسیار سودمند است و با این تمرین دهن شما موقع سخنرانی بیشتر باز می‌شود و کلمات را واضح‌تر ادا می‌کنید.

۳- تمرین صحبت کردن با کمک لب‌ها، وقتی که دهن بسته و دندان‌ها روی هم قرار دارند: در این تمرین دندان‌ها را بر روی یکدیگر قرار داده و سپس با کمک حرکت لب‌ها صحبت می‌کنیم. در این تمرین فشار زیادی به ماهیچه لب می‌آید و لب تقویت می‌گردد. کارکرد این تمرین مشابه تمرین خودکار است.

۴- تمرین بلندخوانی شعر: یکی از بهترین تکنیک‌ها برای قوی کردن صدا این است که با صدای بلند شعر بخوانیم. بالاخص شعرهای حماسی مثل شاهنامه فردوسی عالی است. اشعار مولانا و شاملو هم گزینه‌های خیلی مناسبی هستند. هر وقت شعر می‌خوانید، طوری آن را بخوانید که انگار آن را روی سین اجرا می‌کنید. تصور کنید که واژه‌ها کلیدهای پیانو هستند. کلمات را طوری بخوانید انگار که دارید با واژه‌ها پیانو می‌نوازید. وقتی شعر را زیبا می‌خوانید، این زیبایی کلام، به حالت عادی صحبت کردن هم منتقل می‌شود.

رسا بودن صدا: اگر می‌خواهیم صدای رسایی داشته باشیم، می‌بایست تنفس‌های قوی و عمیق داشته باشیم. با انجام تکنیک‌های تنفسی می‌توانیم مشکلات مربوط به عدم رسایی صدا را رفع نماییم. و همچنین برای رسایی بهتر صدا می‌بایست به جهتی که می‌خواهید صدا برود، رو کنید. این یعنی این که به حضار نگاه کنید نه به سلایدها، سقف یا کف اتاق، تا صدای‌تان به حضار برسد.

وضوح گفتار: برای واضح صحبت کردن باید کلمات را خوب تلفظ کنیم که این کار مستلزم استفاده مناسب از دندان‌ها، لب‌ها و زبان است. برای واضح صحبت کردن، تمرینات مربوط به تقویت دهن و لب را انجام دهید.



«وداع با اسلحه» را با کدام ترجمه باید خواند؟

«وداع با اسلحه» اغلب به عنوان جذاب‌ترین اثر همینگوی و یکی از شاهکارهایش یاد شده است. رمانی که یکی از نقاط اوج کار او در تئوری نویسی است که حکایت باز نویسی‌های مکرر صفحه پایانی این رمان به نمونه‌ی آموزنده برای نویسنده‌گان، در وسواس و کمال‌گرایی معروف شده است. نثر همینگوی که از برجسته‌ترین وجوه آثارش بوده، همواره این پرسش را برای خواننده جدی به میان کشیده که تا چه اندازه این قابلیت مهم آثارش در ترجمه از دست می‌رود؟ آیا ترجمه‌های موجود و مهم‌ترین آن‌ها کار نجف دریابندری، توانسته شایسته‌گی‌های این رمان را پیش روی خواننده قرار دهد؟

دریابندری این رمان را در دههٔ چهل ترجمه کرد، زمانی که هنوز همینگوی در قید حیات بود و در ایران نیز عمر شهرت او به دو دهه نمی‌رسید. بی‌اغماض این ترجمه برای آن روزگار در خور اعتنا محسوب می‌شد

حمیدرضا امیدی سرور

کسوت مترجمی که نمی‌توان منکر خدماتش در این حوزه شد و چه از سر هراس برای ورود به رقابتی که شاید خود را از پیش در آن بازنده می‌دیدند. بی‌تعارف این ماجرا، حکایت چندین خوشایندی از احوال حاکم بر ترجمهٔ این دیار ندارد. حالا هم که ترجمهٔ جدید و مقبولی از وداع با اسلحه به بازار آمده است، حاصل کار مترجمان جوان یا میان‌سالی که در دو یا سه دههٔ اخیر بالیده و رشد کرده‌اند نیست، بلکه دستارود مترجمی است باتجربه و پیش‌کسوت. به گمان من حاصل نازی عظیم، نقطهٔ پایانی است بر ترک‌تازی ترجمه‌های نجف دریابندری از آثار همینگوی و به خصوص «وداع با اسلحه». البته این ماجرا از اهمیت کار دریابندری نمی‌کاهد، زیرا او نیم‌قرن پیش از این و بر اساس زبان معیار آن روزگار، رمان همینگوی را به فارسی برگردانده بود و چند دهه بی‌رقیب بودن آن نیز گواهی بر کیفیت کار او بوده است. هر چند همین بی‌رقیب بودن، باعث شده به این نکته توجه نشود که چطور پاره‌یی از واژه‌ها و عبارات به کار رفته توسط او، رفته‌رفته رنگی از کهنه‌گی گرفته‌اند و با توجه به حرکت و پویایی زبان، از زمانه عقب مانده‌اند.

این مهم‌ترین ویژه‌گی است که ترجمهٔ نازی عظیم را از ترجمهٔ دریابندری ممتاز می‌کند. افزون بر این، نثر و ساخت زبانی‌یی که نازی عظیم در برگردان این رمان مورد استفاده قرار داده است، شسته و رفته‌تر، موجزتر و روشن‌تر از ترجمهٔ دریابندری به نظر می‌رسد.

قصید آن ندارد با آوردن نمونه‌هایی از متن دو ترجمه، این نوشته را طولانی‌تر کنم، این می‌تواند موضوع مقاله‌یی مفصل و نقادانه توسط اهل فن باشد. کلام را خلاصه کنم: اگر پیش از این، وداع با اسلحه را با ترجمهٔ نجف دریابندری به دیگران توصیه می‌کردم، زین پس با ترجمهٔ نازی عظیم آن را معرفی خواهم کرد.

پی‌نوشت:

* از «وداع با اسلحه» نیز همانند بسیاری از رمان‌های شاخص، ترجمه‌های جعلی و رونویسی‌شده‌یی نیز به بازار آمده که یا فاقد اصالت‌اند و یا فاقد کیفیت؛ هر چه هست این کتاب‌ها که با نام مترجمان گمنام و بعضاً نیست در جهان! منتشر می‌شوند؛ به نیت قالب کردن آن‌ها به خواننده‌گان کم‌اطلاعی است که از اهمیت کیفیت و اصالت ترجمه آگاهی ندارند.

قرارگرفت و از ساحت رمان پا به دنیای واقعیت گذاشت و این نشان دهندهٔ عمق تأثیرگذاری و نفوذ آن بر زنده‌گی مخاطبان این آثار بود. همهٔ این‌ها مقدمهٔ از راه رسیدن نخستین شاهکار مهم ارنست همینگوی بود. مقدر شده بود چنین توفیق بزرگی در یکی از بدترین سال‌های زنده‌گی او رخ دهد. «وداع با اسلحه» در سال ۱۹۲۹ منتشر شد، سالی که پدر او با شلیک گلوله به سرش با زنده‌گی وداع کرد. برادر کوچکش که جنازهٔ پدر را پیدا کرده بود، هیچ‌گاه نتوانست از تأثیرات این ضربهٔ هولناک رهایی پیدا یابد. خود او (همینگوی) نیز سال‌ها بعد به روشی تقریباً مشابه نقطهٔ پایان بر زنده‌گی‌اش گذاشت.

«وداع با اسلحه» اغلب به عنوان جذاب‌ترین اثر همینگوی و یکی از شاهکارهایش یاد شده است. رمانی که یکی از نقاط اوج کار او در تئوری نویسی است که حکایت باز نویسی‌های مکرر صفحه پایانی این رمان به نمونه‌یی آموزنده برای نویسنده‌گان، در وسواس و کمال‌گرایی معروف شده است. نثر همینگوی که از برجسته‌ترین وجوه آثارش بوده، همواره این پرسش را برای خوانندهٔ جدی به میان کشیده که تا چه اندازه این قابلیت مهم آثارش در ترجمه از دست می‌رود؟ آیا ترجمه‌های موجود و مهم‌ترین آن‌ها کار نجف دریابندری، توانسته شایسته‌گی‌های این رمان را پیش روی خواننده قرار دهد؟

دریابندری این رمان را در دههٔ چهل ترجمه کرد، زمانی که هنوز همینگوی در قید حیات بود و در ایران نیز عمر شهرت او به دو دهه نمی‌رسید. بی‌اغماض این ترجمه برای آن روزگار در خور اعتنا محسوب می‌شد. ظاهراً دو دهه بعد، او تغییرات کوچکی در حد غلط‌گیری در متن ترجمه انجام داد و پس از آن، همین ترجمه بارها و بارها منتشر شده و مورد استفادهٔ مخاطبان فارسی‌زبان قرار گرفته است؛ بدون آن‌که بازبینی جدی و حک و اصلاح آن با توجه به تغییرات زبان در گذر زمان صورت بگیرد.

خاصهٔ این ترجمه جزو کارهای جوانی دریابندری به حساب می‌آید و شایسته بود در سال‌های پخته‌گی، بازبینی تازه‌یی در آن داشته باشد. به خصوص که دریابندری در نوشته‌هایی راجع به همینگوی از تغییر دیدگاهش نسبت به آثار او حکایت کرده، تغییری که شاید در نحوهٔ ترجمهٔ او نیز می‌توانست موثر باشد. اگرچه مشهور است که هر کتاب بعد از بیست و پنج سال باید دوباره ترجمه شود، از ترجمهٔ دریابندری نیم‌قرن می‌گذشت و در طول این پنجاه سال هیچ‌یک از مترجمان جدی که اسم و رسمی داشتند، به سراغ ترجمهٔ مجدد این رمان و هم‌اوردی با نجف دریابندری نرفتند؛ چه از سر احترام به

از چهارگوشهٔ جهان را در خود جمع کرده بود، جایی که به قول هنری جیمز هوایش نیز عطر هنر و ادبیات داشت. توصیه‌نامه‌هایی که شروود اندرسن برای او نوشته بود، خیلی زود پای همینگوی را به محافل نویسنده‌گان پیشروی که در پاریس جمع شده بودند، باز کرد.

همینگوی جوان، بلند و بالا، قوی بنیه، عاشق شکار و ماهی‌گیری و البته باده‌گساری بود. به دوستان نویسنده‌اش مشت‌زنی می‌آموخت و گاه در حین این تمرین‌ها از خجالت آن‌ها درمی‌آمد و... اما این تنها ظاهر ماجرا بود، در خفا به شدت مشغول کار روی نثر خود بود. تمرینی که از آن می‌آموخت که برای قدرت‌نمایی، لازم نیست در رینگ حریف را از پای انداخت! شروود اندرسن به او یاد داده بود که چگونه با مطالعهٔ آثار بزرگ ادبی نقص نداشتن تحصیلات دانشگاهی را جبران کند.

همینگوی با قدرت در مسیر پیشرفت بود، خوش‌گذرانی‌ها و باده‌گساری‌ها نیز بخشی از تجربه‌های این زنده‌گی پُرفراز و نشیب بود که هنگام نوشتن آثارش، بهره‌های بسیار از آن‌ها می‌برد؛ البته به سبک خود. دو اثر مهم او در نیمهٔ نخست زنده‌گی‌اش؛ یعنی خورشید همچنان می‌دمد و وداع با اسلحه، تا حد بسیار زیادی بر اساس تجربه‌های شخصی او در زنده‌گی شکل گرفت بود؛ البته در آمیخته با تخیلی مهارناشدنی که از کودکی در او بود و با دروغ‌های عجیب و غریبی همراه می‌شد. چنان لاف‌زن قهاری بود که شنونده را مجاب کند که این روایت‌ها هرچقدر هم عجیب جلوه می‌کنند، عین واقعیت‌اند!

اما در پس همهٔ این‌ها، مهم‌ترین واقعیت، از بالیدن نویسنده‌یی با اصالتی ژرف حکایت می‌کرد که در آیندهٔ نه چندان دور، با سبک ادبی تازهٔ خود، شیوهٔ بیان و مقصود نویسنده‌گان آمریکایی و انگلیسی‌زبانان دیگر را دگرگون می‌ساخت.

همینگوی برخلاف تأکید و علاقهٔ مادرش با مذهب میانه‌یی نداشت، اما او سبک اخلاقی تازه و شخصی خود را داشت. اخلاقی این‌جهانی و به‌شدت مبتنی بر زمانهٔ خود که بسیار هم آمریکایی بود. این اخلاق که خوردن احوال جامعهٔ بعد از جنگ بود، به‌راحتی به جامعهٔ دیگر فرهنگ‌ها نیز درمی‌آمد و همین باعث می‌شد همینگوی علاوه بر تأثیری که با نثر و زبان آثارش می‌گذاشت، با جهان‌بینی اخلاقی آثارش نیز بگذارد، آن‌هم نه محدود به جامعهٔ انگلیسی‌زبان، بلکه در گستره‌یی وسیع از فرهنگ‌های مختلف. چنان که حتی بعد از انتشار رمان «خورشید همچنان می‌دمد» نه تنها سبک زنده‌گی شخصیت‌های اصلی رمان که دیالوگ‌های‌شان نیز مورد تقلید

گاه می‌ترسیم رمان‌های محبوب دوران نوجوانی‌مان را دوباره بخوانیم، مبادا تصویرهای زیبایی که از آن‌ها در ذهن داریم مخدوش شود. از آخرین‌باری که «وداع با اسلحه» را خوانده بودم، دو دهه می‌گذشت. در این فاصله همواره به دنبال فرصتی بودم برای بازخوانی این رمان. انتشار ترجمهٔ تازه‌یی از این رمان، توسط مترجم خوش‌نامی چون نازی عظیم، انگیزه‌یی شد برای تحقق این خواستهٔ دیرینه. از این مترجم گزیده‌کار، خاطرهٔ برگردان کتاب خواندنی «هفت صدا» در اذهان بسیاری از ادبیات‌دوستان نقش بسته است و خوش‌بختانه بازخوانی «وداع با اسلحه» با برگردان همین مترجم، لذتی به‌مراتب بیش از گذشته برایم به همراه داشت: همینگوی همچنان در اوج بود و به حق، برگردان نازی عظیم در فهم این واقعیت، نقشی انکارناپذیر داشت!

در مورد ارنست همینگوی و وداع با اسلحه آن‌قدر گفته و نوشته شده که حرف تازه دربارهٔ او، اگر محال نباشد، بسیار دشوار است. بی‌شک همینگوی چهره‌یی منحصر به فرد در دنیای ادبیات بود. با این‌که بازتاب بیرونی عادات و ویژه‌گی‌های شخصی او چندین نشانه‌یی از یک نویسنده روشن‌فکر نداشت. با این حال، او به سبک خود ادبیات را متحول کرد. سنت‌های پُرطمطراق تئورنویسی در روزگار خود را کنار زد و با نثری ساده، صیقل‌خورده که در عین حال کلماتش با وسواسی بسیار انتخاب شده بودند، به مهم‌ترین نویسندهٔ روزگار خود بدل شد. تأثیرگذارترین بخش داستان‌هایش، نوشته نمی‌شدند؛ بلکه از خلال آن‌چه روایت شده بود، در ذهن مخاطب بازسازی و القای می‌شدند. با این سطح از توانایی عجیب و غریبی که داشت، به عنوان شمایل تمام‌عیار نویسنده‌گان نسل سرگشتهٔ بعد از جنگ، به عصارهٔ فرهنگ و هنر آمریکایی بدل شد که قدرت‌ش را نه گذشته که از آینده وام می‌گرفت. آمریکای بعد از جنگ که با بحران اقتصادی دست به گریبان بود و این معضل بر زنده‌گی اغلب مردم و حتی نویسنده‌گان سایه افکنده بود. از سوی دیگر، قانون منع مصرف مشروبات الکولی هم بود که به اشکال مختلف بر این جامعهٔ بحران‌زده تأثیر گذاشته بود، خاصه از ناحیهٔ قاچاق مشروبات الکولی که به شکل‌گیری نوعی گنگستریسم، دامن زده بود.

همینگوی نیز (پیش از شهرت) همانند برخی دیگر نویسنده‌گان آمریکایی آن روزگار ترجیح داد به جای زنده‌گی کردن در آمریکا، راهی اروپا شود که زنده‌گی در آن‌جا ارزان‌تر از آمریکا بود. شروود اندرسن که در کشف استعداد‌های ادبی خیره بود، به او توصیه کرد که به جای ایتالیا راهی فرانسه (پاریس) شود که در آن ایام نویسنده‌گانی

آگاهان: امریکا دولت افغانستان را دور زده است

روح الله بهزاد



محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی در واکنش به گفت‌وگوهای اخیر نماینده‌گان امریکا و طالبان در قطر می‌گوید که طالبان به جای تطبیق «برنامه‌های شوم بیگانه‌گان»، با دولت افغانستان گفت‌وگو کنند.

آقای غنی در بیانیه‌ی که دیروز دوشنبه، ۸ دلو از سوی ارگ منتشر شد، گفت که طالبان دو گزینه دارند، یا با دولت افغانستان گفت‌وگو کنند و یا هم «وسیله تطبیق اهداف شوم بیگانه‌گان» قرار گیرند.

محمد اشرف غنی در این بیانیه اظهار داشت که قربانی جنگ مردم افغانستان اند و باید ابتکار صلح نیز به دست دولت افغانستان باشد. رییس حکومت وحدت ملی گفت که تجربه حکومت داکتر نجیب‌الله را به یاد دارد و می‌داند که با او «فریب‌کاری» صورت گرفت. او اضافه کرد: «ملل متحد به او تضمین تأمین صلح داده بود، اما متأسفانه به فاجعه انجامید. من از نقش فعلی منطقه و جهان آگاهی دارم و این را نیز می‌دانم که خطرها و تهدیدات احتمالی بعد از موافقه صلح کدام‌ها اند.»

محمد اشرف غنی اظهار داشت که در روند صلح، مذاکره درباره وحدت ملی، حاکمیت ملی و حقوق شهروندان امکان‌پذیر نیست. رییس حکومت تأکید کرد که برای صلح، برنامه واضح دارد و تعهدش

این است که صلح را تأمین کند و جلو هر نوع فاجعه احتمالی و از هم‌پاشی را بگیرد.

او بیان داشت: منافع ملی افغانستان که روابط شرکای بین‌المللی و منطقه‌ی براساس آن استوار است، در روند صلح غیرقابل سازش است. اشرف غنی می‌گوید که تعهد جدی و قوی برای صلح دارد تا به گفته او: «دوران تاریک چهل ساله جنگ افغانستان را به پایان برسانیم. تعهد ما به صلح یک تعهد بی‌ریا و سچ است.»

محمد اشرف غنی در پیوند به حضور نیروهای خارجی در افغانستان گفت که این نیروها براساس یک ضرورت در افغانستان حضور دارند و بر بنیاد یک طرح منظم این نیروها به صفر خواهند رسید. رییس حکومت وحدت ملی تأکید کرد: «حضور نیروهای خارجی بر بنیاد یک توافق دوطرفه است، حضور کنونی براساس یک ضرورت است و روی این ضرورت همیشه توجه شده است و می‌شود که شمار نیروهای خارجی باید چقدر باشد و ما تلاش می‌کنیم که شمار نیروهای خارجی را براساس یک طرح منظم به صفر برسانیم.»

همزمان باین، شماری از آگاهان سیاسی و نویسندگان در واکنش به بیانیه محمد اشرف غنی می‌گویند که این بیانیه گمان‌ها را به یقین تبدیل کرده است که امریکایی‌ها در گفت‌وگوهای صلح با طالبان، دولت افغانستان را دور زده اند.

«دولت‌ساز» شعاری بی‌مسما در تیم اشرف غنی

یعقوب یسنا

جهان به رسمیت می‌شناسد. بنابراین، ارجاع مناسبات دولت افغانستان نه به پروژه ناتکمیل تاریخ درست است و نه به شعار فاقد مسما «دولت‌ساز» در ساختار دولت تیم غنی.

غنی بنابه این شعار قرار است از نو دولت بسازد، اما تنها تیم انتخاباتی، تیم غنی است که هیچ تغییری برای نظام دولت از ریاستی به صدارتی، پارلمانی یا فدرالی در ساختار دولت تیم انتخاباتی او مطرح نیست.

پس غنی دولت چه می‌سازد؟ حتی اگر تغییر نظام دولت را بگذاریم کنار، دولت غنی نیاز به اصلاح دارد. این اصلاح چیست؟ نخستین اصلاح این است؛ قوه اجرائیه که در رأس آن غنی قرار دارد، حداقل از قوه مقننه، قضاییه و سایر نهادهای دولتی سوءاستفاده نکند و صلاحیت قوه‌ها و سایر نهادهای دولتی را به رسمیت بشناسد. بهتر بود جناب غنی شعار تیم خود را اصلاح دولتش می‌نامید!

جدا از این بحث‌ها که پروژه امیر عبدالرحمان خان درست/ نادرست بود، از امان‌الله خان درست/ نادرست بود، از داوود خان درست/ نادرست بود و...؛ واقعیت این است که همه پروژه‌ها به تاریخ پیوسته‌اند. هرگونه ارجاع مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افغانستان معاصر به آن دوره‌ها ناشی از برداشت ارتجاعی و عصبیت طرف است.

جالب این است که غنی با این همه شعار ارتجاعی پروژه ناتکمیل تاریخ، شعار «دولت‌ساز» را شعار انتخاباتی تیم خود اعلام کرده است. این شعار یک عبارت است، نه مبتدا دارد، نه خبر و نه توضیح. مهم این که در ساختار دولت تیم غنی مصداق ندارد.

جناب غنی در این پنج‌سال چه کرد که تازه می‌خواهد دولت بسازد؟ افغانستان دولت و حکومت دارد. اگر دولت و حکومت ندارد، غنی در ارگ چرا هست؟ سه قوه که دولت را می‌ساز ظاهرآ وجود دارد. این دولت را



می‌داند که توسط امیر عبدالرحمان خان شروع شده است. غنی تأکید می‌کند که باید در حکومت‌داری افغانستان این پروژه تکمیل شود.

جناب غنی این سال‌ها که در سیاست حضور دارد، لحن خود را تغییر داده است؛ این پروژه ناتکمیل را به دوره امان‌الله خان رجعت

اشرف غنی همیشه از تکمیل پروژه ناتکمیل تاریخ در افغانستان سخن می‌گفت. در کتاب «افغانستان در قرن بیست» که نوشته ظاهر طین است. این کتاب بیشتر بر اساس مصاحبه‌ها به‌خصوص مصاحبه‌های اشرف غنی تدوین شده است. در این کتاب در مصاحبه‌ی، اشرف غنی این پروژه ناتکمیل تاریخ را پروژه‌ی

فارسی برای همه

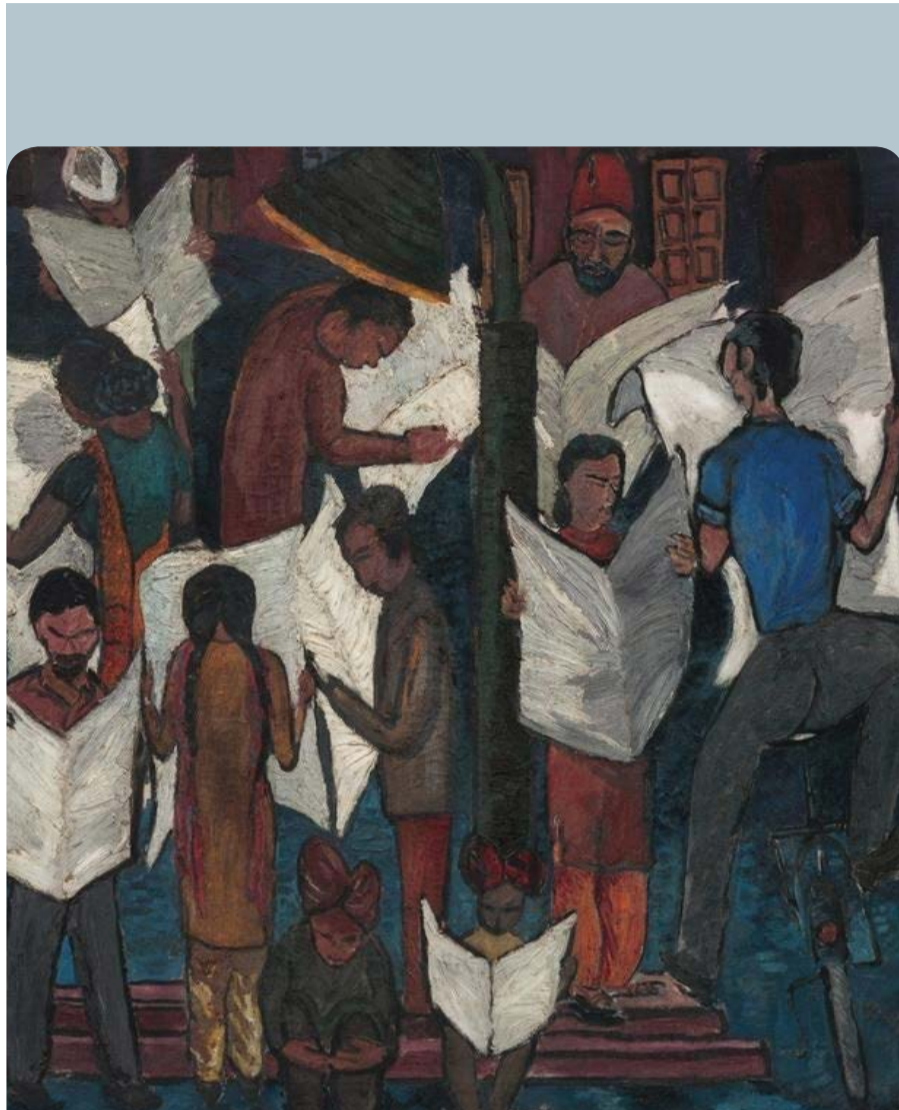
✦ عبدالاحد هادف ✦

در ایام طلبه‌گی، استادی در مدرسه داشتیم که از قریه ما بود و سجایای شخصیتی و ذوقی منحصر به فردی داشت. خوب به یاد دارم که باری در مقام ستایش از قدرت ادبی و نوشتاری علامه سعدالدین تفتازانی (دانشمند فارسی‌زبان عربی‌نویس) مثال محلی جالبی را به کار برد و برایم گفت: «عبارت» نزد تفتازانی مثل شک تلخان در دست یک کودک است که هرگونه میل کند، به آسانی آن را شکل می‌دهد و یا بگو شکل دل‌خواه خود را از آن می‌سازد.

من همیشه وقتی چیزی می‌نویسم و یا قریحه نویسندگی در من گل می‌کند و میل مانور در من می‌جوشد و چه بسا که از قصور و ناتوانی رنج می‌برم، این گفته مولوی صاحب به یاد می‌آید و تمنای روزی را می‌کنم که ماده کلام در دستم مثل شک تلخان یا موم در دست کودک باشد که به آسانی آن را پیچ و تاب دهم و مقاومتی در آن نبینم و بتوانم متن دل‌خواه خود را بسازم و در دریای «عبارت» با میل و ملایمت شنا کنم. این آرزو هرچند محال نیست، اما ساده هم به دست نمی‌آید.

تجربه من که از لحاظ آموزشی زبان عربی برایم زبان نخست است تا فارسی، به من این اذعان را تلقین کرده است که فارسی در طبع خود چون موم ملایم و چون شهد شیرین است و به آدمی بیشتر از هر زبان دیگری مجال مانور می‌دهد و به حدی سهل و پُر جاذبه و باکیف است که در وقت نوشتن و یا خواندن می‌توانی همچون موسیقی ریتم و ترنم آن را دنبال کنی و متن ساده را قطعه‌یی از هنر بسازی و عبارت را رنگ و ذایقه احساس بخشی. بی‌دلیل نیست که بشر در هیچ زبانی به اندازه فارسی از عشق سخن نگفته و بخش اعظم میراث عاطفی مشترک انسان‌ها در فاز روحانی و عرفانی بلند آن به فارسی بوده است. فارسی در طول تاریخ گسترش و نفوذ خود از اجبار و اکراه به دور بوده و همیشه با جاذبه ذاتی خود بر دل‌ها و ذوق‌ها چیره شده و سخن ساخته و انجمن آراسته است. رسوخ این زبان به عنوان زبان امپراتوری‌ها اعم از عباسی و عثمانی و مغولی و غیره و باز سخن گفتن بزرگان دانش و ادب بشر از اجناس و طوایف غیر فارسی با فارسی، همه ناشی از انتخاب بوده است، نه تحمیل. فارسی چون با عشق گره خورده، با زور هرگز نساخته و هیچ دل و قلمرو را با جبر تسخیر نکرده است. شاید همین امر سر جاودانگی آن باشد.

در افغانستان که زادگاه اصلی زبان فارسی است، وجود و حضور این زبان خیلی طبیعی است و همه اقوام کشور با میل و انتخاب خود به فارسی سخن می‌گویند و نقطه وصل همه شان هم فارسی است و با قاطعیت می‌توان گفت که فارسی زبان اکثریت مطلق در کشور ما است. خیلی ناشیانه و ظالمانه است که سر ستیز با این زبان بگیریم و با بهانه‌های مختلف (جنگ سرک و خیابان) برای تضعیف آن در زادگاه خودش بکوشیم. این امر هیچ نتیجه‌یی نمی‌دهد و فارسی را ضعیف نمی‌سازد، بلکه برعکس بر متانت آن می‌افزاید.



منفی خشمگینانه می‌انجامد-برگزیت، ترامپ و مواردی از این دست همگی پیامد شیوه مواجهه با بحران مالی سال ۲۰۰۸ هستند.

همان‌طور که روزنفلد با ارایه مثال‌های فراوان نشان می‌دهد، سابقه اعتماد به خرد جمعی و سوءظن به «متخصصان» نیز به دوران پیدایش اندیشه دموکراتیک مدرن در قرن هجدهم باز می‌گردد. تحقیر تخصص، نپذیرفتن حقیقت، بها دادن به احساسات مردم «عادی» و وعده راه حل‌های آسان و سریع تازه‌گی ندارد: این همان منطق «حقیقت پوولیستی» در جهان غرب در ۳۰۰ سال گذشته بوده است، از تامس پین گرفته تا دونالد ترامپ، و از اوا پرون گرفته تا ویکتور اوربان. دموکراسی همیشه باید بین دو گزینه بد-اقتدارگرایی تکنوکراتیک و عوام‌فریبی دست به انتخاب بزند.

به قول لنین، چه باید کرد؟ باید این امتیاز را به روزنفلد داد که از پاسخ‌گویی به این پرسش (و پرسش دیگری درباره میزان تفاوت میان اوضاع کنونی و ادوار گذشته پوولیسم نامتوازن) شانه خالی نمی‌کند. تاریخ نشان می‌دهد که دموکراسی متکی بر تعهد مشترک به حقیقت اثبات‌شدنی و حقیقت‌گویی است-اما در عین حال نشان می‌دهد که این سازه ذاتاً سست و شکننده و تحت فشار دائمی است. به نظر روزنفلد، فهم این امر به ما کمک می‌کند تا جان تازه‌یی به هنجارها و نهادهایی (رسانه‌ها، قوه قضاییه و آموزش) ببخشیم که همواره به جوامع اجازه داده‌اند که دانش متخصصان و احساس مردم را به نفع عموم با یکدیگر همساز و هماهنگ کنند.

اما حتا این هم کافی نخواهد بود. استدلال‌های او تکلیف دو مسأله مهم را روشن نمی‌کند. اولی، که خود روزنفلد به آن اشاره می‌کند، ناکامی اخلاقی نظام اقتصادی ما است. داستان دموکراسی مدرن در عین حال داستان نظام سرمایه‌داری مدرن است. اما هر چه نابرابری فزاینده و فاحش بر دو دستگی ما بیفزاید، دستیابی به تفاهمی که سیاست به آن وابسته است، دشوارتر می‌شود.

سیاست دموکراتیک، عمدتاً، سیاست ملی است. شاید همین خودش بخشی از مشکل باشد. همه‌ی چالش‌های بزرگ زمانه ما فراملی هستند: مهاجرت انبوه، نابرابری فزاینده، و فاجعه زیست‌محیطی. می‌توان گفت که سیاست ملی در بهترین حالت، نامناسب و در بدترین حالت، مانع پرداختن به این مشکلات جهانی است. دورنما تیره و تار است. اما یکی از امتیازات این کتاب پرمغز و آگاهی‌بخش این است که مطالعه آن به یأس و دلسردی نمی‌انجامد بلکه به خواننده امید و انگیزه می‌دهد.

نیز به اندازه امروز رایج بود، نادیده می‌گیرد-این که حقیقت، در سیاست و دیگر حوزه‌ها، ساده، بدیهی و واحد است. فقط لازم است که حقیقت را کشف کنیم: کسانی که هنوز قادر به دیدن حقیقت نیستند، متوهم یا مغرض‌اند. به نظر نخستین هواداران این طرز فکر، هدف از آزادی بیان نه تشویق کثرت‌گرایی بلکه صرفاً این است که حقیقت بتواند از بند اسارت و خرافات رها شود. به عقیده آنها، در چنین شرایطی، مردم همیشه نظر یا اراده واحدی دارند: اختلاف‌نظر نشانه اشتباه، توطئه یا چیزی بدتر است.

در عوض این کتاب به یکی دیگر از مشکلات اصلی «نظام حقیقت» دموکراتیک می‌پردازد: تنش میان شناخت نخبگان و «شعور» مردم عادی. تصمیم‌های سیاسی ما تا چه اندازه باید مبتنی بر فهم روزمره و باورهای اکثر مردم، و تا چه حد باید مبتنی بر نظر تخصصی‌تر و پیچیده‌تر خبرگان حقوقی، علمی یا اقتصادی باشد؟ چطور می‌توان موازنه‌یی عملی میان این دو برقرار کرد؟

سیاست‌مداران قرن هجدهمی از حاکمیت مردم حرف می‌زدند اما آنها نیز همچون پیشینیان خود به سلسله‌مراتب اجتماعی عقیده داشتند و از نادانی و دمدمی مزاجی توده‌ها بیزار بودند. به همین دلیل حق رأی را محدود کردند، مجالس سنا و کالج‌های انتخاباتی را در قوانین اساسی خود گنجانده، و عقیده داشتند که رهبری کشورها باید تنها در اختیار مردان سفیدپوست تحصیل‌کرده، آگاه و ملاک باشد. در قرن‌های بعد، هرچند جوامع غربی به تدریج برابری‌طلب‌تر شدند اما در عین حال، بر پیچیدگی آنها نیز افزوده شد، به طوری که اداره این جوامع بیش از پیش مستلزم تخصص و خبره‌گی بود. همان‌طور که می‌دانیم، ماکس وبر در دهه ۱۹۲۰ گفت که نتیجه این امر تنش فزاینده میان حاکمیت نظری مردم و قدرت واقعی متخصصان و دیوان‌سالاران غیرمنتخبی بود که در عمل کشورهای مدرن را اداره می‌کردند.

این تضاد شدت یافته است. با هر پیشرفت جدید علمی و تکنولوژیک نیاز به انواع متخصصان افزایش می‌یابد، دانش بیشتری به وجود می‌آید و سیاست‌های اداری بیش از پیش از آن متأثر می‌شود. این امر منافع زیادی برای سلامتی عمومی، رفاه اجتماعی و سرزندگی اقتصادی داشته است. اما در عین حال، مجبور شده‌ایم که بیش از پیش به گروه‌ها و سازوکارهای ناآشنا و نامشخص اعتماد کنیم. زیاده‌روی در تکنوکراسی و مدیریت‌سالاری به این خطر دامن می‌زند که شیوه سیاست‌گذاری بد، فاسد یا بی‌ربط به دغدغه‌های مردم «عادی» باشد. این امر اعتماد را از بین می‌برد و به واکنش

دموکراسی

و حقیقت

✦ فرامرز دبیویا

✦ برگردان: عرفان ثابتی

کمتر از ۳۰ سال پیش، در پایان جنگ سرد، برخی از ناظران غربی می‌پنداشتند که دموکراسی برای همیشه پیروز شده است. همه می‌دانند که فرانسس فوکویاما گفت که تاریخ به پایان رسیده است. هیچ شکل بهتری از دولت در فکر نمی‌گنجید؛ تبدیل همه کشورهای دنیا به لیبرال دموکراسی حتمی به نظر می‌رسید. به نظر می‌رسد که این روزها داریم در جهت مخالف حرکت می‌کنیم. در سراسر اروپا، آسیا و آمریکا هنجارها و نهادهای دموکراتیک در معرض حمله‌اند. در تمامی کشورها شهروندان نه تنها با سیاست‌مداران، دیکتاتورها و عوام‌فریبانی به شدت متعصب رویه‌رو هستند بلکه زیر آوار اطلاعات نادرست، دروغ و کذب مدفون شده‌اند.

چه بر سر دموکراسی و حقیقت آمد؟ امسال همه سعی می‌کردند که بفهمند چرا و بنا به کدام علل تاریخی در این مخمصه گرفتار شده‌ایم. صاحب‌نظران به شیوه‌های گوناگون به مقایسه شباهت‌های میان دهه ۱۹۳۰ و امروز پرداخته‌اند، به تأثیرات بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ اشاره کرده‌اند یا کوشیده‌اند تا تقصیر را به گردن ظهور نظریه پست‌مدرن در اواخر دهه ۱۹۶۰ ببندازند.

سوفیا روزنفلد، استاد تاریخ [در دانشگاه پنسیلوانیا]، در کتاب کوتاه و هوشمندانه‌اش دیدگاه جامع‌تر و ژرف‌تری را ارائه می‌دهد. استدلال او این است که دموکراسی مدرن، از بدو پیدایش در اواخر قرن هجدهم، رابطه عجیب‌وغریبی با حقیقت داشته است: بحران کنونی صرفاً جلوه بارز آن است. نباید صرفاً بر علل بیرونی تمرکز کنیم زیرا نظام حکومتی ما فی‌نفسه معیبه دارد که می‌تواند به نابودی‌اش بینجامد. این کتاب هم مثل اثر قبلی روزنفلد درباره تاریخ پریچ‌وخم رتوریک سیاسی دموکراتیک، هم مایه‌ی دل‌گرمی است و هم سبب تشویش خاطر.

به نظر روزنفلد، مشکل اصلی این است که حکومت دموکراتیک مبتنی بر میل به [دستیابی به] حقیقت جمعی است. برخلاف نظام‌های قدیمی‌تر اشراف‌سالاری و پادشاهی، که مردم را از عرصه قدرت بیرون می‌رانند و بر لزوم پنهان‌کاری اداری تأکید می‌کردند، جمهوری‌های تازه تأسیس اواخر قرن هجدهم، دموکراسی‌های توده‌یی برای طلبانه‌تر بعدی، بر شفافیت و اعتماد میان شهروندان و حاکمان استوار بودند.

چنین می‌پنداشتند که با بحث آزاد و خرد جمعی فرهیختگان و عوام، اشتباهات برطرف خواهد شد، «آگاهی عمومی» به دست خواهد آمد و جوامع پیشرفت خواهند کرد. اما، همان‌طور که روزنفلد می‌گوید، این آرمان نیرومند هرگز به واقعیت تبدیل نشده است. از همان آغاز در جوامع دموکراتیک نابرابری‌های گسترده‌یی از نظر قدرت و تحصیلات وجود داشت و منافع تجاری و حزبی همیشه بر رسانه‌ها حاکم بود. در عمل، سیاست به جای این که عرصه مبادله آزاد و مؤدبانه افکار باشد، محل مناظره شیرانه بر سر حقیقت و قدرت تعیین حقیقت بوده است.

روزنفلد می‌گوید حقیقت دموکراتیک همیشه مشروط و حاصل بحث بی‌پایان در دنیایی است که مردم پذیرفته‌اند اختلاف‌نظر حتمی است. این دیدگاهی کاملاً جدید و ارزشمند درباره رویکردهای جنبش روشنگری به معرفت است. اما پیش‌فرض قدرت‌مند دیگری را که در قرن هجدهم

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
 مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 شماره تماس: ۰۷۸۵۲۹۹۶۶۰
 مسؤول توزیع: نادری - ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
 نشانی: سرک ۱۳ وزیر اکبر خان، کوچه چهارم دست چپ
 به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده گان برمی گردد.
 چاپ: مطبعه امام
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: هارون مجیدی
 گزارشگران: ناجیه نوری، روح الله بهزاد و ابوبکر صدیق
 برگ آرای: مجیب الله احمدی

د انتخاباتو کمپسیون له شکایتونو له کمپسیونه غواړي چې خپل شوي اسناد ژر ور واستوي



د افغانستان د انتخاباتو خپلواک کمپسیون له انتخاباتي شکایتونو کمپسیونه غواړي چې هر څومره ژر چې کېږي، باید د پاتې ولایتونو خپل شوي اسناد دې ور واستوي.

د افغانستان د انتخاباتو خپلواک کمپسیون وايي، انتظار باسي چې د انتخاباتي شکایتونو د کمپسیون له لوري د خپل شويو شکایتونو اسناد دوی ته ورسېږي، ترڅو د ولسي جرگې وروستی پایلې اعلان کړي او دا پروسه پای ته ورسوي. د دې کمپسیون مرستیال ویاند ذبیح سادات د دوشنبې په ورځ ازادي راډیو ته وویل چې د انتخاباتي شکایتونو د کمپسیون له لوري د نورستان، کونړ، خوست، فاریاب، بدخشان او فراه ولایتونو خپل شوي اسناد دوی ته سپارل شوي او په راتلونکو دوه ورځو کې به د دغو ولایتونو وروستی پایلې اعلان شي.

دې وايي: «تر دې دمه د شپږو نورو ولایتونو وروستی اسناد د انتخاباتي شکایتونو د کمپسیون له لوري مور ته سپارل شوي او زموږ غوښتنه دا ده چې د کابل او نورو ولایتونو د پایلو وخت ته په کتو د نورو ولایتونو اسناد هم مور ته را واستوي، ترڅو وروستی پایلې اعلان کړو او دا پروسه پای ته ورسوو.» تر دې دمه د دولسو ولایتونو د ولسي جرگې د انتخاباتو وروستی پایلې اعلان شوي دي.

د انتخاباتو د خپلواک کمپسیون له لوري د لومړنیو او وروستیو پایلو اعلان له غیرگونو او شکایتونو سره مل دي.

د کابل په گډون په یو شمېر نورو ولایتونو کې د متعرضو نوماندانو په اعتراضونو کې د انتخاباتو د خپلواک کمپسیون کمیشران د پیسو په اخستلو او معاملو تورن شوي او په کابل کې د بیا ځلي انتخاباتو غوښتنه یې کړې، هغه څه چې د انتخاباتو خپلواک کمپسیون رد کړي دي.

په همدې حال کې د انتخاباتي شکایتونو کمپسیون ویلي چې د کابل د انتخاباتو په اړه ورته ډېر زیات شکایتونه رسېدلي چې څېړنه به یې لږترلږه یو میاشت وخت ونیسي.

دا کمپسیون همدا شان وايي، د لومړنیو پایلو له اعلان وروسته د انتخاباتو خپلواک کمپسیون د متعرضو نوماندانو شکایتونه دوی ته نه دي سپارلي.

د انتخاباتي شکایتونو کمپسیون دا هم وايي چې د کابل پایلې لا وروستی شوي نه دي او د شکایتونو له خپل وروسته به ولیدل شي چې په دې اړه څه پرېکړه کېږي.

له دې ټولو سره د انتخاباتي شکایتونو کمپسیون د انتخاباتو په تړاو شکایتونو ته د رسېدنې خبره کوي او وايي چې د ولایتونو پایلې وروستی نه دي او ممکن په هغو کې بدلون راشي.

د دې کمپسیون ویاند علي رضا روحاني زیاتوي: «تر اوسه د اتلسو ولایتونو وروستی پایلې مور استول شوي او د اوونۍ تر پایه د شپږو نورو ولایتونو پایلې هم استول کېږي او د اکثر ولایتونو پایلې نهایي شوي اما یوازې د کابل او څو نورو ولایتونو چې د هغوی لومړنۍ پایلې اعلان شوي هم وې، پاتې کېږي، نیوکې یوازې په کابل نه، بلکې په ټولو ولایتونو کې شوي او تر یوه حده په حقه هم دي، لیکن دلته زموږ بحث د قناعت نه دی، بلکې په قانونیت دي، تر څو حق حقدار ته ورسېږي.»

د انتخاباتو ډېری څارونکي وايي، یوازنی لامل چې د ولسي جرگې انتخابات یې له ستونزو سره مخ کړي، د دواړو کمپسیونونو ترمنځ نه همغږي وه.

د ازادو او عادلانه انتخاباتو د بنسټ رئیس یوسف رشید په دې برخه کې د انتخاباتي شکایتونو کمپسیون ارزونه ښه نه بولي او وايي چې سره له دې چې په ځینو ولایتونو کې د درغلی او تېروتنو په اړه نیوکې موجودې وې، اما په وروستیو پایلو کې چندان بدلون نه دی راغلی او د انتخاباتي څارونکو اندېښنه هم دا ده چې د متعرض نوماندانو او د خلکو د رایو په حق کې کمپسیون عدالت نه دی تامین کړی.



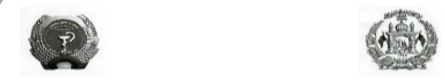
موضوع: اعلان تدارکات (۸۶) قلم مواد لابر اتواری و بانکخون و (۱) قلم آکسیجن طبی شفابخانه ولایتی زابل

اداره شفابخانه ولایتی زابل از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تادپرر سوه داوطلبی (۸۶) قلم مواد لابر اتواری و بانکخون و (۱) قلم آکسیجن طبی دارای نمبر تشخیصیه MoPH/GDCM/HRP/ZBL/NCB/G0۱/۱۳۹۸/HRP/HRH/NCB اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را اعتبار انشرااعلان الی ۲۱ روز تقویمی مطابق شرایط شرطنامه به لسان دری، طبق قانون و طرز العمل تدارکات ارائه نمایند.

تقسیم تدارکات به دو لات ذیل هریک: (۸۶) قلم مواد لابر اتواری و بانکخون تضمین آفر ۱۰۵،۰۰۰ و (۱) قلم آکسیجن طبی تضمین آفر ۳۰،۰۰۰ افغانی به شکل پول نقد و بیاضمانت خط بانکی قابل قبول می باشد، جلسه آفرگشایی به روز پنجشنبه ۲ حوت ۱۳۹۸ ساعت ۱۰ بجه قبل ازظهر در شفابخانه ولایتی زابل شهر قلات لب دریا دایر میگردد، شرایط اهلیت بارانه اسناد ضروری میباشد. آفرهای دیررسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود

آدرس هایکه داوطلبان میتوانند شرطنامه را درمقابل مبلغ ۵۰۰ افغانی پول غیر قابل بازگشت بدست بیاورند قرارذیل اند:

۱. شفابخانه ولایتی زابل - شهر قلات ولایت زابل شماره تماس: ۰۷۰۰۱۴۲۶۲۹
 ۲. پروژه اصلاحات شفابخانه ها - وزارت صحت عامه کابل شماره تماس: ۰۷۰۰۸۹۲۸۸۸
- نوت: عقد قرارداد مطابق فقره (۳) ماده دوازدهم قانون تدارکات، مشروط به منظوری بودجه می باشد.



موضوع: اعلان دعوت به داوطلبی (۱) قلم گاز مایع شفابخانه حوزوی هرات

اداره شفابخانه حوزوی هرات از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تادپرر سوه داوطلبی (۱) قلم گاز مایع، دارای نمبر تشخیصیه MoPH/GDCM/HRP/HRH/NCB/G0۷/۱۳۹۸/HRP/HRH/NCB اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را اعتبار انشرااعلان الی ۲۱ روز تقویمی مطابق شرایط شرطنامه به لسان دری، طبق قانون و طرز العمل تدارکات ارائه نمایند.

تضمین آفر مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ افغانی بوده، به شکل پول نقد و بیاضمانت خط بانکی قابل قبول می باشد، جلسه آفرگشایی به روز سه شنبه ۳۰ دلو ۱۳۹۸ ساعت ۱۰ بجه قبل ازظهر در دفتر امریت شفابخانه حوزوی هرات منزل دوم دایر میگردد، شرایط اهلیت بارانه اسناد ضروری میباشد، آفرهای دیر رسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود.

آدرس هایکه داوطلبان میتوانند شرطنامه را بدست بیاورند قرارذیل اند:

۱. شفابخانه حوزوی هرات. شهر هرات شماره تماس: ۰۷۹۹۶۷۴۹۱۵
۲. پروژه اصلاحات شفابخانه ها - وزارت صحت عامه کابل شماره تماس: ۰۷۰۰۸۹۲۸۸۸

نوت: عقد قرارداد مطابق فقره (۳) ماده دوازدهم قانون تدارکات، مشروط به منظوری بودجه می باشد



موضوع: اعلان تدارکات (۶) قلم روغنیات و (۱) قلم گاز مایع شفابخانه ولایتی زابل

اداره شفابخانه ولایتی زابل از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تادپرر سوه داوطلبی (۶) قلم روغنیات و (۱) قلم گاز مایع دارای نمبر تشخیصیه MoPH/GDCM/HRP/ZBL/NCB/G0۳/۱۳۹۸/HRP/ZBL/NCB اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را اعتبار انشرااعلان الی ۲۱ روز تقویمی مطابق شرایط شرطنامه به لسان دری، طبق قانون و طرز العمل تدارکات ارائه نمایند.

تقسیم تدارکات به دو لات ذیل هریک: (۶) قلم روغنیات تضمین آفر ۱۷۵،۰۰۰ و (۱) قلم گاز مایع تضمین آفر ۱۷۵،۰۰۰ افغانی به شکل پول نقد و بیاضمانت خط بانکی قابل قبول می باشد، جلسه آفرگشایی به روز چهارشنبه ۱ حوت ۱۳۹۸ ساعت ۱۰ بجه قبل ازظهر در شفابخانه ولایتی زابل شهر قلات لب دریا دایر میگردد، شرایط اهلیت بارانه اسناد ضروری میباشد، آفرهای دیر رسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود

آدرس هایکه داوطلبان میتوانند شرطنامه را درمقابل مبلغ ۵۰۰ افغانی پول غیر قابل بازگشت بدست بیاورند قرارذیل اند:

۱. شفابخانه ولایتی زابل - شهر قلات ولایت زابل شماره تماس: ۰۷۰۰۱۴۲۶۲۹
۲. پروژه اصلاحات شفابخانه ها - وزارت صحت عامه کابل شماره تماس: ۰۷۰۰۸۹۲۸۸۸

نوت: عقد قرارداد مطابق فقره (۳) ماده دوازدهم قانون تدارکات، مشروط به منظوری بودجه می باشد.



موضوع: اعلان تدارکات (۱۴) قلم موادغذیی مورد ضرورت شفابخانه ولایتی غور

شفابخانه ولایتی غور از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تادپرر سوه داوطلبی (۱۴) قلم موادغذایی دارای نمبر تشخیصیه MoPH/GDCM/HRP/GHPH/NCB/G0۲/۱۳۹۸/HRP/GHPH/NCB اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را اعتبار انشرااعلان الی ۲۱ روز تقویمی مطابق شرایط شرطنامه به لسان دری، طبق قانون و طرز العمل تدارکات ارائه نمایند.

لات اول هفت قلم حبوبات تضمین آفر ۵۰،۰۰۰، لات دوم پنج قلم میوه و ترکاری تضمین آفر ۲۰،۰۰۰، لات سوم یک قلم نان خشک تضمین آفر ۶۵،۰۰۰ و لات چهارم یک قلم گوشت گوسفند تضمین آفر ۹۰،۰۰۰ افغانی به شکل پول نقد و بیاضمانت خط بانکی قابل قبول می باشد، جلسه آفرگشایی به روز سه شنبه ۳۰ دلو ۱۳۹۷ ساعت ۱۰ بجه قبل ازظهر در درصالون کنفرانس های شفابخانه ولایتی غور دایر میگردد، شرایط اهلیت بارانه اسناد ضروری میباشد، آفرهای دیر رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیشاند.

آدرس هایکه داوطلبان میتوانند شرطنامه را درمقابل مبلغ ۵۰۰ افغانی پول غیر قابل بازگشت بدست بیاورند قرارذیل اند:

۱. شفابخانه ولایتی غور. شهر فیروزکوه شماره تماس: ۰۷۹۹۵۴۴۵۴۰
۲. پروژه اصلاحات شفابخانه ها - وزارت صحت عامه کابل شماره تماس: ۰۷۰۰۸۹۲۸۸۸

نوت: عقد قرارداد مطابق فقره (۳) ماده دوازدهم قانون تدارکات، مشروط به منظوری بودجه می باشد.



موضوع: اعلان تدارکات (۵۱) قلم مواد لابر اتواری، (۴۱) قلم ملزمه طبی و (۱) قلم آکسیجن شفابخانه حوزوی هرات

شفابخانه حوزوی هرات از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تادپرر سوه داوطلبی (۵۱) قلم مواد لابر اتواری، (۴۱) قلم ملزمه طبی و (۱) قلم آکسیجن دارای نمبر تشخیصیه MoPH/GDCM/HRP/HRH/NCB/G0۲/۱۳۹۸/HRP/HRH/NCB اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را اعتبار انشرااعلان الی ۲۱ روز تقویمی مطابق شرایط شرطنامه به لسان دری، طبق قانون و طرز العمل تدارکات ارائه نمایند.

تقسیم تدارکات به سه لات ذیل هریک: (۵۱) قلم مواد لابر اتواری تضمین آفر مبلغ ۳۵۰،۰۰۰، (۴۱) قلم ملزمه طبی تضمین آفر ۲۴۰،۰۰۰ و (۱) قلم گاز آکسیجن تضمین آفر ۱۴۰،۰۰۰ افغانی بوده، به شکل پول نقد و بیاضمانت خط بانکی قابل قبول می باشد، جلسه آفرگشایی به روز چهارشنبه ۱ حوت ۱۳۹۷ ساعت ۱۰ بجه قبل ازظهر در دفتر امریت شفابخانه حوزوی هرات منزل دوم دایر میگردد، شرایط اهلیت بارانه اسناد ضروری میباشد، آفرهای دیر رسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود.

آدرس هایکه داوطلبان میتوانند شرطنامه را بدست بیاورند قرارذیل اند:

۱. شفابخانه حوزوی هرات. شهر هرات شماره تماس: ۰۷۹۹۶۷۴۹۱۵
۲. پروژه اصلاحات شفابخانه ها - وزارت صحت عامه کابل شماره تماس: ۰۷۰۰۸۹۲۸۸۸

نوت: عقد قرارداد مطابق فقره (۳) ماده دوازدهم قانون تدارکات، مشروط به منظوری بودجه می باشد.